

حقوق حیوانات از منظر قرآن و سنت

محمدحسین موحدی ساوجی^۱
عضو هیأت علمی دانشگاه مفید

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۰۷
تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۱۵

چکیده

حیوان همچون سایر موجودات در زمین، هرچند در هدف غایی خدمت به انسان آفریده شده، اما از منظر اسلام دارای حقوقی است و انسان در بهره‌مندی از آن با محدودیت‌هایی رو به رو است. در این مقاله پس از اشاره اجمالی به نگاه قرآن به موجودات از جمله حیوان، و تأکید بر شعور و حشر آن، بخشی از حقوق حیوانات از منظر دینی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: نگاه قرآن به حیوان، شعور حیوان، حشر حیوان، حقوق حیوان

مقدمه

حقوق جانداران از جمله حیوانات از موضوعاتی است که در شریعت اسلام مورد توجه قرار گرفته است. هرچند به رسمیت شناختن این حقوق به معنای مرسوم «حق حیات» برای آنها نیست، اما بیانگر اعطای درجه‌ای از احترام از سوی شارع به این موجودات است. به بیان دیگر، هرچند خالق هستی موجودات زمین را برای انسان آفریده و آنها را مسخر وی گردانیده: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ...»^۲ (حج: ۶۵)، اما این تسلط بدون حدّ و مرز دانسته نشده و دارای شرایط و حدودی است.

آنچه امروزه به عنوان حقوق حیوانات در دو قرن اخیر شناخته شده، قرن‌ها پیش در وجهی معقول و واقع‌گرایانه در آموزه‌های دین اسلام مطرح بوده است. طرفداران حقوق حیوانات در حال حاضر را می‌توان به دو گروه: طرفداران نظریه رفاه حیوانات و طرفداران حرکت مدرن حمایت از حقوق حیوانات تقسیم نمود. گروه اول بر آن‌اند که حقوق حیوانات باید از دو زاویه مورد توجه قرار گیرد: اول این‌که آنها به طور انسانی مورد انتفاع قرار گیرند، و دوم این‌که رنج غیر ضروری نبرند. ولی طرفداران نظریه دوم معتقدند حقوق و منافع حیوانات حتی با رعایت دو شرط فوق، نباید به سود انسان‌ها قربانی شود.^۳ روشن است که دیدگاه‌های افراطی گروه دوم با آموزه‌های

1. Email: mm.saveji@gmail.com

۲. «آیا ندیدی که خداوند هر آنچه را در زمین است مسخر شما گردانید؟».

۳- برای تفصیل در این زمینه، ر.ک: شیما پورمحمدی، «گستره حقوق حیوانات در اسلام و غرب»، ندای صادق، سال دهم، شماره ۴۰، ص ۱۴۹-۱۳۶، زمستان ۱۳۸۴.

دین اسلام و سایر ادیان آسمانی بلکه با سیره مستمره عقلا همخوانی ندارد؛ اما نظریه رفاه حیوانات دارای شباهت‌هایی با آموزه‌های دینی بوده و از این منظر قابل دفاع است. در این مقاله ابتدا نگاهی کوتاه به موجودات به‌ویژه جانداران در قرآن خواهیم داشت؛^۱ سپس به حقوق حیوانات در اسلام به طور خلاصه اشاره می‌شود.

۱. درک موجودات از نگاه قرآن

به طور اجمال از آیاتی از قرآن کریم می‌توان نوعی از درک و شعور را برای موجودات نباتی و جمادی استنباط کرد؛ آیاتی که ظاهر آنها بر تسبیح، شعور، حشر حیوانات در قیامت و نظم آنها در زندگی اشاره دارد:

۱-۱. تسبیح موجودات

از منظر دینی، نه تنها حیوانات بلکه موجودات نامی و جمادات و به تعبیر دیگر همه چیز دارای شعور و مرحله‌ای از درک‌اند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «تَسْبِیحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيفاً غُفُوراً» (إسراء: ۴۴): «آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر کس که در آن هاست او را تسبیح می‌گویند؛ و هیچ چیز نیست مگر این که به ستایش او تسبیح می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید؛ به راستی که او بردباری آمرزنده است.»

نیز می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالذُّوَابُ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ» (حج: ۱۸): «آیا ندیده‌ای که قطعاً خداست که هر کس در آسمان‌ها و هر کس در زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند؟»

و در سوره نور تأکید می‌کند: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَفَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور: ۴۱): «آیا ندیده‌ای که هر کس در آسمان‌ها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند، و پرندگان درحالی که در آسمان پرگشوده‌اند (تسبیح او می‌گویند)؟ همه نماز و تسبیح خود را می‌دانند، و خدا به آنچه می‌کنند داناست.»

۱. گفتنی است تعداد زیادی از آیات مورد استناد در این مقاله توسط صدیق گرامی حجه الاسلام دکتر حامد شیواپور

آیات دیگری نیز به همین مضمون نازل شده است که ظاهر همگی بر وجود نوعی از شعور برای همه موجودات جهان دلالت دارند. (نحل: ۴۹؛ رعد: ۱۳ و ۱۵؛ تغابن: ۱؛ جمعه: ۱)

۲-۱. شعور حیوانات

علاوه بر آیاتی که به طور کلی بر نوعی درک و شعور برای همه موجودات هستی دلالت دارند، ظاهر آیاتی دیگر به طور ویژه نشان‌دهنده شعور بلکه قدرت افهام و تکلم حیوانات است؛ از جمله در سوره نمل آمده است: «وَ حُشْبِرٍ لِّسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْأَنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ. حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَّا يَخْطِبَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لَّا يَشْعُرُونَ. فَتَّبَسَّمَ صَاحِبًا مِّن قَوْلِهَا وَ قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدِي وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» (نمل: ۱۷-۱۹): «و لشکریان سلیمان از جن و انسان و پرندهگان جمع شدند پس آنان بازداشته شدند (یا دسته‌دسته شدند). تا آن که بر وادی مورچگان راه یافتند، مورچه‌ای گفت: ای موران! به خانه‌های خود داخل شوید تا سلیمان و سربازانش شما را نادانسته لگدمال نکنند. پس (سلیمان) از گفته آن تبسمی خندان کرد و گفت: پروردگارم! الهامم کن تا نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشتی شکر گزارم و کرداری نبکو به‌جا آورم که آن را بیسندی؛ و با رحمت خود مرا در جرگه بندگان صالحت داخل فرما.»

۳-۱. حشر حیوانات

از ظاهر برخی از آیات استفاده می‌شود که حیوانات نیز مانند انسان‌ها و اجنه محشور می‌شوند. در سوره انعام می‌فرماید: «وَ مَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ.» (انعام: ۳۸): «هیچ جنبنده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود می‌پرد نیست، مگر آن که امت‌هایی هستند مانند شما. در کتاب هیچ چیزی را فروگذار نکرده‌ایم، سپس به سوی پروردگارشان محشور خواهند شد.»
علامه طباطبایی در تفسیر خود پیرامون این آیه نوشته است: «این آیه خطابش به مردم است، و می‌فرماید حیوانات زمینی و هوایی همه امت‌هایی هستند مثل شما مردم، و معلوم است که این شباهت تنها از این نظر نیست که آنها هم مانند مردم دارای کثرت و عددند، چون جماعتی را به صرف کثرت و زیادی عدد امت نمی‌گویند بلکه وقتی به افراد کثیری امت اطلاق می‌شود که یک جهت جامعی این کثیر را متشکل و به صورت واحدی درآورده باشد، و همه یک هدف را در نظر داشته باشند حال چه آن هدف، هدف اجباری باشد و چه اختیاری. هم‌چنان که از این نظر هم

نیست که این حیوانات انواعی و هر نوعی برای خود امتی است که افرادش همه در نوع خاصی از زندگی و ارتزاق و نحوه مخصوصی از تناسل و تولید مثل و تهیه مسکن و سایر شوون حیات مشترکند، زیرا اگر چه این مقدار اشتراک برای شباهت آنها به انسان کافی است، اما از اینکه در ذیل آیه فرمود: «ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» استفاده می‌شود که مراد از این شباهت تنها شباهت در احتیاج به خوراک و جفت‌گیری و تهیه مسکن نیست، بلکه در این بین، جهت اشتراک دیگری هست که حیوانات را در مساله بازگشت به سوی خدا شبیه به انسان کرده است. حال باید دید آن چیزی که در انسان ملاک حشر، و بازگشت به سوی خدا است چیست؟ هر چه باشد همان ملاک در حیوانات هم خواهد بود، و معلوم است که آن ملاک در انسان جز نوعی از زندگی ارادی و شعوری که راهی به سوی سعادت و راهی به سوی بدبختی نشان می‌دهد، چیز دیگری نیست... تفکر عمیق در اطوار زندگی حیواناتی که ما در بسیاری از شوون حیاتی خود با آنها سر و کار داریم ما را به این نکته واقف می‌سازد که حیوانات هم مانند انسان دارای آراء و عقاید فردی و اجتماعی هستند و حرکات و سکناتی که در راه بقاء و جلوگیری از نابود شدن از خود نشان می‌دهند، همه بر مبنای آن عقاید است، مانند انسان که در اطوار مختلف زندگی مادی، آنچه تلاش می‌کند، همه بر مبنای یک سلسله آراء و عقائد می‌باشد... همین طور یک فرد حیوان هم در راه رسیدن به هدف‌های زندگی و به منظور تأمین حوائج خود از سیر کردن شکم و قانع ساختن شهوت و تحصیل مسکن، حرکات و سکناتی از خود نشان می‌دهد، که برای انسان، شکی باقی نمی‌ماند در این که این حیوان نسبت به حوائجش و این که چگونه می‌تواند آن را برآورده سازد، دارای شعور و آراء و عقایدی است که همان آراء و عقاید او را مانند انسان به جلب منافع و دفع ضرر، و می‌دارد. بلکه بسیار شده است که در یک نوع و یا در یک فرد از یک نوع، در مواقع به چنگ آوردن شکار و یا فرار از دشمن به مکر و حیل‌هایی برخورده‌ایم که هرگز عقل بشر آن را درک نمی‌کرده و با اینکه قرن‌ها از عمر این نژاد گذشته، هنوز به آنچه که آن حیوان درک کرده، منتقل نشده است. آری، زیست‌شناسان در بسیاری از انواع حیوانات، مانند: مورچه، زنبور عسل و موربان‌ها به آثار عجیبی از تمدن و ظرافت‌کاری‌هایی در صنعت، و لطائفی در طرز اداره مملکت، برخورده‌اند که هرگز نظیر آن جز در بعضی از ملل متمدن دیده نشده است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰۶/۷)

۱-۴. نظم در زندگی حیوانات

چنان‌که اشاره شد، از دلایل و نیز نتایج شعور حیوانی، نظم خاص در حیات آنهاست. قرآن کریم این نظام را درباره زنبور عسل یادآور شده است: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنْ

الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ. ثُمَّ كُلِّي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذَلَّلَّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.» (نحل: ۶۸-۶۹):
«و پروردگارت به زنبور عسل وحی کرد که از کوه‌ها و درختان و آنچه (مردم) بنا می‌کنند، خانه‌هایی را بگیر؛ آنگاه از میوه‌ها (ی گل‌ها) بخور، پس راه‌های پروردگارت را مطیعانه ببیما. از شکم آن نوشیدنی‌ای خارج می‌شود با رنگ‌های مختلف؛ در آن برای مردم شفا است. هرآینه در آن نشانه‌ای است برای گروهی که اندیشه می‌کنند.»

همین نظم با اشکال گوناگون در زندگی سایر حیوانات نیز مشاهده می‌شود.

۲. تدبیر پیرامون آفرینش حیوانات

در آیاتی از قرآن کریم به انسان‌ها سفارش شده است تا درباره چگونگی آفرینش حیوانات تدبیر و تفکر کنند. از جمله در سوره یس می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ. وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ. وَ لَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ.» (یس: ۷۳-۷۱): «آیا ندیدند که ما برایشان از آنچه دستانمان (قدرت‌مان) پدید آورده چهارپایانی را آفریدیم، پس آنان مالکان آنها هستند. و آنها را رام آنان کردیم پس از آنهاست سواریشان و از آنهاست خوراکی‌شان. و در آنها برای ایشان بهره‌ها و نوشیدنی‌هایی است. پس چرا شکر نمی‌گزارند؟!»

همچنین در سوره غاشیه درباره آفرینش شتر فرموده است: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (غاشیه: ۱۷): «پس چرا به شتر نمی‌نگرند چگونه آفریده شده است؟»

۳. اهتمام به حفظ نسل حیوانات

از آنچه در گزارش قرآن درباره حضرت نوح(ع) آمده است به دست می‌آید که حفظ نسل حیوانات مورد اهتمام شارع بوده است: «فَلَمَّا أَخْوَلُ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (هود: ۴۰): «گفتیم در آن (کشتی) از هر زوجی دو تا را سوار کن.» از این آیه بسا بتوان استفاده کرد که حفظ نسل حیوانات یکی از وظایف انسانی به شمار رود.

۴. حق خوراک برای حیوان

علاوه بر آنچه در روایات و کلمات فقها در باب حق نفقه حیوان خواهیم گفت، در دو آیه از قرآن کریم پس از بیان نعمت‌های الهی تصریح شده است که این نعمت‌ها جهت بهره‌مندی

انسان و چهارپایان اوست. از جمله در سوره عبس می‌فرماید: «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدائقَ غَلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ.» (عبس: ۳۲-۲۵): «که ما آب را ریختیم ریختنی؛ سپس زمین را شکافتیم شکافتنی؛ پس در آن دانه را رویاندیم؛ و انگور و سبزی‌ها را؛ و زیتون و درخت خرما را؛ و باغ‌های پر درخت را؛ و میوه و چراگاه را؛ برای بهره‌مندی شما و چهارپایانتان.»

همین مضمون در آیات ۲۸ تا ۳۳ سوره نازعات نیز آمده است.

همچنین بسا از آیه ۱۳ سوره شمس بتوان حق خوراک برای حیوان را نیز استفاده کرد؛ در فرازی که از قول حضرت صالح(ع) خطاب به مردم خود، بر حق شرب ناقه تأکید می‌فرماید: «فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا». البته این برداشت در صورتی است که برای معجزه‌بودن ناقه خصوصیتی در این حکم قائل نشویم.

۵. حرمت کشتن بی دلیل حیوان

علاوه بر آنچه در مباحث آتی در حرمت بی دلیل کشتن حیوان آمده است، بسا بتوان به آیه ۲۱ سوره نمل نیز در این باره استناد کرد؛ در آن فراز که حضرت سلیمان(ع) از مجازات هدهد هنگامی که دلیلی آشکار در توجیه غیبت خود آورد، صرف‌نظر می‌کند: «لَأَعَذَّبَنَّكَ عَبْدًا بَا شَدِيدًا أَوْ لَأَأَذِّبَنَّكَ أَوْ لِيَأْتِيَنَّكَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ»

البته این استدلال نیز در صورتی قابل قبول است که ماجرای حضرت سلیمان(ع) در قرآن را ماجرابی ویژه ندانیم و آیه شریفه نیز دال بر آن باشد که عدم مجازات هدهد در صورت ارائه دلیل بر آن حضرت واجب بوده است.

۶. حرمت آزارسانی به حیوان

علاوه بر آنچه در روایات اسلامی و کتب فقهی بر حرمت آزارسانی به حیوانات استدلال شده است، بسا بتوان آیات زیر را نیز در این زمینه مورد توجه قرار داد:

۱-۶. در سوره مائده در بیان خوراکی‌های حرام آمده است: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لَعْنِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْحَنِقَةُ وَ الْمُوقُودَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَةُ وَ النُّطْحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ» (مائده: ۳): «حرام شده است بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه با نام غیر خدا ذبح شده، و حیوانی که خفه شده و با ضربت کشته شده و سقوط کرده و طعمه درندگان شده است؛ مگر آنچه را که (قبل از جان دادن) تذکیه کنید»

درباره این آیه شاید گوینده‌ای حدس زند که حرمت گوشت انواع فوق موجب می‌گردد تا مسلمانان از آزارسانی حیوانات از راه‌های گفته‌شده اجتناب کنند. این برداشت در صورتی است که مستثنی‌منه در آیه تنها «مَا أكل السَّبْعُ» باشد.

۲-۶. در آیه‌ای دیگر در بیان شیوه نحر شتر فرموده است: «فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا» (حج: ۳۶): «پس هنگامی که پهلویش بر زمین آرام گرفت (و جانش بیرون شد) از آن بخورید.» شاید بتوان گفت این فرمان عاملی است تا مسلمانان قبل از بیرون رفتن روح از بدن حیوان اقدام به کندن پوست آن نکنند و موجب آزار و شکنجه او نشوند. موید این احتمال فتوای فقیهانی است که این عمل را موجب عدم تذکیه حیوان می‌شمارند. (منتظری، ۱۳۸۶: ۵۲۸)

۳-۶. در آیه‌ای که به ناقه حضرت صالح(ع) اشاره شده، تأکید شده است که او را رها کنید تا در زمین خدا بخورد و هیچ گزندی به او مرسانید که دچار عذابی دردناک خواهید شد: «وَأَلِي تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَقُومِ اغْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ لَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (اعراف: ۷۳) اگر بتوان از عبارت: «لَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ» افاده عموم کرد، می‌توان از آن بر حرمت آزارسانی به حیوانات نیز استدلال نمود.

۷. نگاهی اجمالی به حقوق حیوانات در فقه شیعه

در این قسمت، به طور خلاصه به مواردی از حقوق حیوانات در اسلام اشاره می‌شود:

۷-۱. احترام حیوان

در برخی از روایات و نیز در کلمات و عبارات فقهای شیعه به موارد متعددی برمی‌خوریم که براحترام حیوان از نگاه شرع تصریح شده است. از جمله در بحار الانوار از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است که فرمودند: «يَجِبُ عَلَى مَالِكِ الدَّوَابِّ عِلْفُهَا وَ سَقْيُهَا لِحُرْمَةِ الرُّوحِ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۱۷/۶۱) «بر مالک چهارپایان واجب است که علف و آسامیدنی آن را تهیه نماید؛ زیرا جان (و جاندار) دارای احترام است.»

همچنین شیخ طوسی در مبسوط دلیل وجوب نفقه حیوان بر مالکش را احترام حیوان بیان کرده، در این حکم میان حیوان حلال گوشت با حرام گوشت تفاوتی قائل نشده است: «إِذَا مَلَكَ بَهِيمَةً فَعَلَيْهِ نَفَقَتُهَا، سِوَا كَانَتْ مِمَّا يُؤْكَلُ لِحَمِّهَا أَوْ لَا يُؤْكَلُ لِحَمِّهَا، وَ الطَّيْرُ وَ غَيْرُ الطَّيْرِ سِوَا، لِأَنَّ لَهَا حُرْمَةً.» (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۶: ۴۷): «هرگاه حیوانی را مالک گردد، نفقه آن بر وی واجب است؛ (و در این

حکم) تفاوتی نمی‌کند که آن حیوان از دسته‌ای باشد که گوشتش خوردنی (و حلال) است یا بر خوردنی (و حرام) می‌باشد؛ و پرنده و غیر پرنده (نیز) تفاوتی ندارد. زیرا برای آن احترام (ثابت) است.»

همین احترام در عبارت فقهای دیگری چون علامه حلی، (حلی، بی‌تا: ۲: ۱۵۶؛ ۱۷: ۳۰۳) شهید ثانی، (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۴/۲۴۵ و ۴۴۶) صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۵/۱۱۵) و صاحب مفتاح الکرامه (عاملی، ۱۴۱۷: ۷/۲۱۹؛ نیز، ر.ک: گیلانی، ۱۴۱۷ق: ۱/۳۳۰) تصریح شده است.

از مصادیق احترام حیوان در منابع شیعه، منع دشنام یا نفرین به حیوان است. از حضرت امیر(ع) نقل شده است که فرمودند: چهارپایان را نفرین و لعن نکنید؛ زیرا خدای عزّ و جلّ لعنت‌کننده آنها را لعنت می‌کند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۲/۱۸۸)^۱

نیز از حضرت امام صادق(ع) نقل شده است که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «إِذَا عَثَرْتَ الدَّابَّةَ تَحْتَ الرَّجْلِ فَقَالَ لَهَا تَعَسْتِ، تَقُولُ تَعَسَ أَعْصَانًا لِلرَّبِّ.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۱/۴۸۶)

۲-۷. حق نفقه حیوان

از موارد حقوق حیوانات بر انسان، وجوب نفقه آن است. این وجوب چنان‌که گذشت در روایات و کلمات فقیهان شیعه تصریح شده است؛ و حتی در صورتی که مالک حیوان فاقد امکاناتی است که نفقه آن را تأمین می‌کند، باید آن را تهیه یا خریداری نماید. علاوه بر کلمات شیخ طوسی (ره) که اندکی قبل به آن اشاره شد، علامه حلی (ره) نیز در بخش نفقات کتاب «قواعد الاحکام» ضمن گشودن عنوانی در این خصوص، احکام و فروع این مسأله را بررسی، و وجوب نفقه حیوان مملوک را ویژه حیوانات حلال گوشت و یا دارای منفعت ندانسته، نفقه حرام‌گوشتان یا حیواناتی که فاقد منفعت هستند را نیز بر صاحبانشان واجب دانسته است.

(حلی، ۱۴۱۳ق: ۳/۱۱۸؛ عاملی، ۱۴۱۰ق: ۵/۴۸۱)

نفقه خود دارای مصادیق متعددی است و وجوب آن به مواد غذایی خلاصه نمی‌شود. به عنوان مثال، مکانی مناسب را نیز برای حیوان دربر می‌گیرد. این مکان مناسب برابر عرف هر زمان یا مکان قابل تغییر است. (عاملی، همان: ۴۸۲؛ نجفی، همان: ۳۱/۳۹۵)

از دیگر مصادیق نفقه حیوان، رعایت بهداشت و سلامتی و تهیه دارو برای آن است. از حضرت امام صادق(ع) نقل شده است که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «نَظَّفُوا مَرَابِضَهَا وَ امْسَحُوا رُغَامَهَا» (حرّ عاملی، همان: ۵۰۸): «محل نگهداری گوسفند را تمیز، و آب بینی‌اش را پاک کنید.»

۱. برای تفصیل در این زمینه، ر.ک: ابوالقاسم مقیمی حاجی، «حقوق حیوانات در فقه اسلامی»، فقه اهل بیت(ع)،

ابن‌اثیر در «النهاية» این احتمال را هم مطرح کرده است که مقصود از «وَأَمْسَحُوا رُءُومَهَا» پاک کردن خاک از بدن و چهره گوسفند باشد. (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳ق: ۲/۲۳۹) هرچند برخی از اهل لغت «رُءَام» به معنای آب بینی را اشتباه دانسته، و این معنا را برای واژه «رُءَام» ذکر کرده‌اند؛ (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق: ۱۲/۲۴۷)^۱ و بر این اساس، «رُءَام» به معنای زدودن خاک از بدن یا چهره خواهد بود.

در منابع فقه شیعه تأکید شده است که سلامتی حیوان بر منافع انسان از آن ترجیح دارد؛ (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۵/۴۸۶؛ نجفی، همان: ۳۹۷؛ حلی، ۱۴۱۳ق: ۳/۱۱۸؛ همگی به نقل از: مقیمی حاجی، همان) و از همین رو استفاده از شیر حیوان شیردهی که نوزاد شیرخوار دارد مشروط به «سیراب شدن» نوزاد از شیر مادر است، در حالی که مطابق فقه اهل سنت «سیراب شدن» شرط استفاده نیست، بلکه سدّ جوع نوزاد کفایت می‌کند. (طوسی، همان: ۱/۳۹۱؛ حلی، همان) از دیگر مصادیق نفقه حیوان، وسایل مورد نیاز آن است، که در کتب فقهی به آن اشاره شده است. (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۵/۴۸۱؛ نجفی، همان: ۲۶/۳۹۵)

۲-۷. وجوب حفظ جان حیوان

از دیگر حقوق حیوان بر انسان، وجوب حفظ جان آن است. روشن است که فریضه حفظ جان حیوان در این جا مواردی را شامل نمی‌شود که شارع مقدس به طور خاص اجازه ازهاق روح آن را داده است؛ مانند ذبح شرعی حیوان حلال گوشت برای بهره‌مندی از گوشت آن، یا کشتن حیوان مودی برای دفع ضرر از خود، بلکه مقصود از این وجوب، ظاهراً کشتن بی‌مورد حیوان توسط انسان است؛ و شاید از همین رو باشد که در روایات اسلامی و منابع دینی، کشتن بی‌جهت حیوانات مذموم دانسته شده و حتی وعده مؤاخذه نسبت به آن داده شده است. در روایتی از حضرت امام جعفر صادق(ع) آمده است که «زنی به خاطر این که گربه‌ای را در بند کرده و آن حیوان از تشنگی جان داده بود، دچار عذاب گردید.» (حرّ عاملی، همان: ۲۹/۱۴؛ مجلسی، همان: ۶۱/۲۶۷؛ ۶۲/۶۴) نیز از حضرت موسی بن جعفر(ع) از پدران معصومش(ع) نقل شده است که: «پیامبر اکرم(ص) بر گروهی گذشتند که پرنده زنده‌ای را هدف قرار داده، با تیر (یا نیزه) به سوی آن پرتاب می‌کردند؛ پس فرمود:

۱. «اللیث: الرُءَامُ ما یسیل من الأنف من داء أو غیره؛ قال الأزهری: هذا تصحیف، و صوا به الرُءَام، بالعین، و قال أبو العباس أحمد بن یحیی: من قال الرُءَام فیما یسیل من الأنف فقد صحّفه، و کان أبو إسحاق الزجاج أخذ هذا الحرف من کتاب اللیث فوضعه فی کتابه و توهم أنه صحیح، قال: و أراه غرض کتاب علی المبرد و القول ما قاله ثعلب. قال ابن سیده: و الرُءَامُ والرُءَامُ ما یسیل من الأنف، و هو المخاط، و الجمع أرُءَمَةٌ، و خص اللحیانی به العنم و الظباء.»

کیستند اینان؟! خدا از رحمت خویش دورشان سازد.» (مجلسی، همان: ۲۶۸/۶۱) همچنین از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمودند: «مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا عَبَثًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ صُرَاخٌ حَوْلَ الْعَرْشِ يَقُولُ رَبِّ سَلْ هَذَا فِيمَ قَتَلْتَنِي مِنْ غَيْرِ مَنَفَعَةٍ.» (مجلسی، همان: ۳۰۶): «هرکس گنجشکی را بی‌جهت بکشد، آن حیوان در روز قیامت فریادکنان پیرامون عرش آمده، می‌گوید: پروردگار من! از این فرد سؤال کن به چه جهت بدون هیچ منفعتی مرا کشت.» در روایتی دیگر از حضرت امام باقر (ع) نقل شده است که فرمودند: «خدای متعال سیراب کردن هر تشنه‌کامی را دوست دارد؛ و هرکس تشنه‌ای را چهارپا باشد یا غیر آن- سیراب کند، خداوند وی را در روزی که سایه‌ای جز سایه (رحمت) او نیست، در زیر سایه خود قرار می‌دهد.» (حرّ عاملی، همان: ۴۰۹/۹) وجوب حفظ جان حیوان و پرهیز از کشتن بی‌جهت آن در کلمات فقهای شیعه نیز تصریح شده است. و این وجوب تنها بر عهده صاحب حیوان نیست؛ بلکه بر عهده هر فردی است که توانایی دارد. و در صورت امتناع مالک یا نهی وی نیز برداشته نمی‌شود. (نجفی، همان: ۳۹۶)^۱ حتی برخی از فقیهان بزرگ شیعه تصریح کرده‌اند که شکار بی‌جهت و لہوی حیوانات نیز، به صورت مطلق یا چنانچه برای تهیه غذا یا امرار معاش و تجارت نباشد، حرام است و سفر برای چنین شکاری موجب شکسته شدن نماز نمی‌شود. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۵۰/۱؛ ابن سعید، ۱۳۷۸: ۹۱)^۲

۴-۷. شرایط بهره‌مندی از حیوان

علاوه بر این، در بهره‌مند شدن از حیوانات نباید بیش از طاقت آن‌ها یا به گونه‌ای که موجب زیان جسمی آن‌ها می‌گردد، رفتار شود. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۴۱/۶؛ مجلسی، همان: ۲۰۱/۶۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۲۸۷/۲ و ۲۹۲؛ نجفی، همان: ۳۹۷؛ حلی، بی‌تا: ۳۰۷/۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق: ۶۱۳/۷) حتی توصیه شده است که برای جلوگیری از ایذاء حیوان، هنگام دوشیدن شیر آن، ناخن‌ها کوتاه باشد. (نجفی، همان)

۱. «و لو لم يوجد ما ينفق على الحيوان و وجد عند غيره وجب الشراء منه، فان امتنع من البيع ففي المسالك يجوز غضب العلف منه لإبقائها إذا لم يوجد غيره، كما يجوز غضبه كذلك لحفظ الإنسان، و يلزمه المثل أو القيمة، و في القواعد «كان له قهره عليه و أخذه منه غضبا إذا لم يجد غيره» و في كشف اللثام «و لم تشتد حاجته إليه لنفسه أو مملوكة من إنسان أو غيره و إن لم يحضره الثمن و أمكنه بيع مملوكة منه أو من غيره- إلى أن قال:- و كذا يجوز غضب الخيط لجراحته كما يجبر على الطعام لنفسه، للاشتراك في حرمة الروح و نفى الضرار» و لكنه لا يخلو من نظر و تأمل، و لعله لذا قال في كشف اللثام بعد ذلك: «و الأحوط التوصل إلى الحاكم مع الإمكان، و أنه إن أمكن البيع باع إن لم يحتج إليه و لو للشرف» قلت: بل قد يقال و إن احتاج إليه.»

۲- برای تفصیل، ر.ک: ابوالقاسم مقیمی حاجی، همان.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم، حیوانات را دارای درک و شعور دانسته، حشر آنها را یادآور شده است؛ و همگان را به تدبیر در چگونگی و چرایی آفرینش آنها فراخوانده است.

از نگاه آموزه‌های دینی، انسان در برابر جانداران از جمله حیوانات، بلکه در برابر همه آفریده‌های روی زمین، دارای مسئولیت است. این مسئولیت، با تسلط آدمی بر آنها و اجازه شارع نسبت به تملک و بهره‌مندی از آنها منافاتی ندارد. آنچه مسئولیت انسان را در این باره موجب می‌گردد، حدود و شرایط این بهره‌مندی است. به عنوان نمونه، نگهداری از حیوانات مشروط بر تهیه نفقه آنهاست؛ و برخی از فقیهان در این حکم میان حلال‌گوشتن و حرام‌گوشتن تفاوتی قائل نشده‌اند. این نفقه مصادیق مختلفی دارد و به مواد غذایی محدود نمی‌شود، بلکه مکان و بهداشت مناسب را نیز دربر می‌گیرد.

علاوه بر این، بهره‌وری از حیوانات مشروط بر آن است که بیش از طاقتشان یا به گونه‌ای رفتار نشود که موجب زیان جسمی آن‌ها گردد. همچنین هیچ انسانی مجاز نیست که بی‌جهت جان حیوانی را بستاند.

با توجه به آموزه‌های دینی پیرامون حقوق حیوانات، به نظر می‌رسد که کشور به تجدید نظر در برخی از قوانین، همپای فرهنگ‌سازی در این زمینه نیازمند است.

منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن احمد، *النهاية في غريب الحديث والاثار*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۳۸۳ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، چ دوم، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن سعید، یحیی بن احمد، *الجامع للشرائع*، چاپ اول، مؤسسه سیدالشهداء العالمیه، قم، چ اول، ۱۳۷۸.
۴. ابن منظور، جمال‌الدین محمد مکرم، *لسان العرب*، نشر ادب حوزه، قم، ۱۴۰۵ق.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تحصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، جلد‌های ۹، ۱۱ و ۲۹، مؤسسه اهل‌البیت(ع)، قم، ۱۴۰۹ق.
۶. حلی، جعفر بن حسن، *تذکرة الفقهاء*، جلد‌های ۲ و ۱۷، مؤسسه آل‌البیت(ع)، قم، .
۷. _____، *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، جلد‌های ۱ و ۳، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، چ اول، ۱۴۱۳ق.

۸. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد ۷، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، چ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۹. _____ *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۷، چاپ پنجم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، جلد ۶، تصحیح محمد تقی کشفی، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، چ سوم، ۱۳۸۷ق.
۱۱. عاملی، جواد، *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*، جلد ۷، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۱۲. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة*، جلد های ۴ و ۵، کتابفروشی داوری، قم، ۱۴۱۰ق.
۱۳. فاضل هندی، محمد بن حسن، *کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحکام*؛ جلد ۷، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، چ اول، ۱۴۱۶ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، جلد ۶، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۵. گیلانی (میرزای قمی)، ابو القاسم بن محمد حسن، *عنائم الايام فی مسائل الحلال والحرام*، جلد ۱، قم، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۴۱۷ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، جلد های ۶۱ و ۶۲، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۱۷. مقیمی حاجی، ابوالقاسم، «حقوق حیوانات در فقه اسلامی»، *فقه اهل بیت(ع)*، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۸۵.
۱۸. منتظری، حسینعلی، *رساله توضیح المسائل*، نشر سرای، تهران، چ بیست و دوم، ۱۳۸۶.
۱۹. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، جلد های ۵، ۲۶ و ۳۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چ هفتم، ۱۴۰۴ق.